

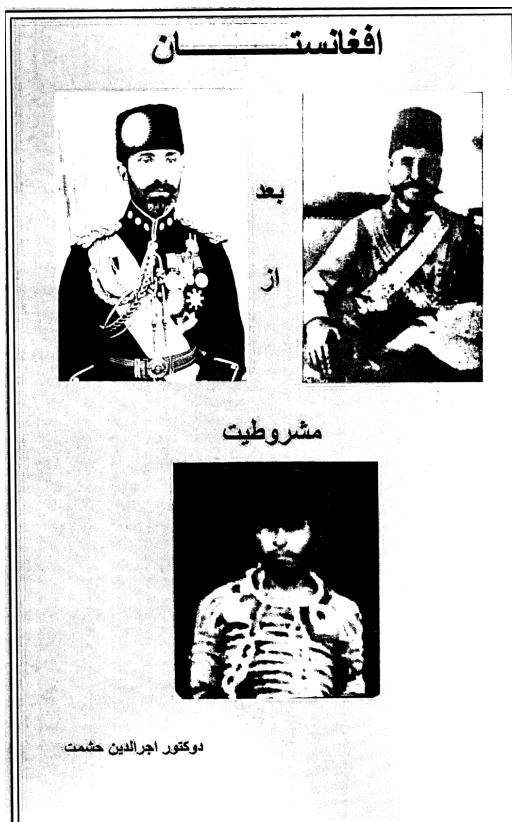
"افغانستان بعد از مشروطیت" اثر ارزشمند دیگری از داکتر اجرالدین حشمت

آنچه ما را در تاریخخانه امروزی جبر تاریخ و اوضاع درد آلود ناشی از آن (عالم غربت و قرار گرفتن در بستر بی وطنی ها)، چون ستاره بی در دل آسمان تیره بخود متوجه میسازد و دل ما را تا حدی گرمی می بخشد، همانا رونق نسبی بازار فرهنگی و نشر و پخش کتب و آثاری است که در سالهای اخیر، از خامه محققان و نویسندگان و فرهنگیان عزیز و با مسئولیت ما، یکی پی دیگر در این گوشه و آن گوشه جهان گل میکنند و خلاهای معلوماتی در پهنه های متنوع زندگی تاریخی، اجتماعی، ادبی و هنری ما افغانها را پر میسازند. یا بعبارة دیگر، برغای آگاهی های هستی ما می افزایند.

سال ۲۰۰۷ میلادی بود که اثر وزین و ماندگار تاریخی – سیاسی بنام " از جنبش مشروطه تا دولت مشروطه در افغانستان"، بمثابه حاصل کار و کاوش علمی جناب داکتر اجرالدین (حشمت) در شهر تورنتوی کانادا اقبال چاپ یافت و مورد استقبال هم میهنان تشنه به مسایل تاریخی ما، بخصوص، طرف توجه کسانی واقع گردید که در جست و جوی حقایق پنهان نگهداشته شده سرزمین حادثه خیز افغانستان بوده و هستند.

خواننده های کتاب " از جنبش مشروطه تا دولت مشروطه . . ." تأیید خواهند فرمود اگر گفته شود که این اثر وزین، در واقع، مشرح ترین و همه جانبه ترین اثری است که تا کنون پیرامون جنبش مشروطیت، این پدیده بزرگ سیاسی – اجتماعی قرن بیستم کشور ما به رشته نگارش درآمده است و بهمین دلیل، حقا که میتواند جوابگوی بخش اعظم پرسش های مربوط به آن دوره میهن عزیز ما باشد.

با مسرت باید گفت که اینک، کتاب مشرح، مفصل و تحلیلی دیگری از همین محقق و مؤرخ محترم افغانستان بنام " افغانستان بعد از مشروطیت"، باز هم در شهر تورنتوی کانادا از چاپ برآمده و تازه به اختیار علاقه مندان مسایل تاریخی کشور قرار گرفته است.



این اثر ارزشمند، علاوه از آنکه سلیقه و توجه خاصی در قسمت قطع و صحافت و انتخاب کاغذ و حرف و اندازه و . . . آن بکار رفته است، دارای متن سلیس، میرا از اغلاط طباعتی، مستند و امانتدارانه تاریخی نیز میباشد که ششصد و بیست صفحه را احتوا نموده است.

جناب دکتر (حشمت) کتاب ارزشمندش را " به آنانیکه باقلم، قدم و سلاح، بخاطر آزادی و نجات افغانستان عزیز در معارک مختلف مقاومت علیه تجاوز سرخ رزمیدند، جام شهادت نوشیدند، اما خواهان هیچگونه پاداشی و امتیازی از مردم خود نبودند"، اهدا کرده است.

در بخشهای اول کتاب، دو تقریظ از دو دانشمند میهن ما (دکتر میر عبدالعزیز و استاد اسحاق نگارگر) به چشم میخورد. چنانکه دکتر میر عبدالعزیز در یکی از پاراگرافهای تقریظ خود چنین مینویسد: " اگر معتقد باشیم که تاریخ معرفت و آشنایی به حوادث گذشته است، ما را داکتر صاحب حشمت به هدف شناخت حقایق تاریخی و سیاسی یک دوره معینی از تاریخ کشور نزدیک ساخته است . . ." و جناب نگارگر در جایی از تقریظ اش چنین مینگارد: " . . . و من احساس نوعی تعهد اخلاقی میکنم که در برابر این پیر مرد جوان حوصله، یعنی جناب دوکتور حشمت که نسبت به من یکی، دو پیراهن بیشتر کهنه کرده است، سر احترام خم نمایم که تاریخ همین کشور هر کله و برخیال را نوشته و تا حد مقدر دقیق نوشته و اسناد فراوان هم گرد آورده است. . ."

جناب دکتر حشمت، همانسان که دانشمند گرامی (نگارگر) گفته اند، در نگارش، جمع آوری اسناد و مدارک، پیوند دادن منطقی و ضروری رویداد های سیاسی کشور، بخصوص پس از سقوط سلطنت اعلیحضرت امان الله خان و روشن ساختن زوایای تاریک مانده و گفته نشده حوادث سالهای حکمرانی حبیب الله کلکانی و کارنامه های بیرحمانه و کین توزانه سپهسالار محمد نادر خان و سایر مسایل، واقعاً حوصله مندی قابل قدری از خویشتن به نمایش گذاشته است. وقتی خواننده به متن کتاب وارد شده و بخواندن خویش ادامه میدهد، در عین حال، به یاد این سخن شاعر می افتد که فرمود:

هرکی سخن رابه سخن ضم کند قطره بی از خون جگر کم کند

و یا جا دارد چنین گفته شود که مؤرخ گرامی ما، سعی بسیار بخرچ داده تا نیشته ها، کاغذ پاره ها، رساله ها، اسناد و کتب زیادی را ورق بزند و همه را پس از بررسی و تفکیک و تشخیص موشگافانه، چون " بحر در کوزه " بگنجانند تا نسل امروز و فردای میهن ما، مجموعه بی از حقایق عمدتاً تلخ تاریخی - سیاسی یک برهه خاص زمانی زادگاه پدران شان را در اختیار داشته باشند. علاوه از تقدیر و تحسینی که خواننده از مؤلف این کتاب بعمل می آورد، دو نکته مهم دیگر را نیز نمیتواند از نظر دور داشته باشد و آن اینکه : در چنین اوضاع و احوالیکه متأسفانه بسیاری از هم میهنان ما، در دنیای ماشینی و پُرغوغای جهان غرب چنان بی حوصله شده اند که دیگر حتی نوشتن یک نامه مختصر به دوست و اقارب، بالای شان سختی و سنگینی عجیبی میکند، مطالعه، تحقیق، تدوین و نگارش چنین یک اثر ششصد صفحه بی، آنهم با دقت، با رعایت مسؤولیت و امانتداری لازم، تنها کار نه، بلکه کارستان است. مشکل لاینحل و تقریباً دایمی نویسندگان، محققان و مؤلفان جامعه افغانی ما این بوده و هست که وقتی کلیه این تلاشها و تبیین های سنگین شباروزی و "دود چراغ خوردن ها" به پایان رسید و کتاب آماده چاپ گردید، تازه معضله مالی و اقتصادی آن، چون کوه پیش چشم نویسنده و مؤلف قد می افرازد. این معضله، بخصوص در کشور ما و باز، در میان کتله های مهاجر نشین در نقاط مختلف جهان، خیلی عمده و درد آور است. زیرا آنانیکه دست بکار تحقیق و پژوهش اند و یا صرفاً با قلم و کاغذ سر و کار دارند، مسلماً از امکانات و توانمندی های مالی محروم میباشند. آنده از هم میهنانی که ثروتی و مکنتی دارند، با دریغ که در بخشهای فرهنگی یا حمایت از فرهنگیان " کم بغل " یا اصلاً توجهی ندارند و یا کمترین توجه را مبذول میدارند که این خود، تفصیل و عوامل تاریخی، سیاسی و اجتماعی دردناکی دارد. با فهم و درک چنین معضلات است که خواننده باید به همت، حوصله افزایی و تحمل مشقات مالی، محیطی و خانوادگی مؤلف که جز روشن ساختن اولاد میهن و رفع مسؤولیت وجدانی، آرزوی دیگری ندارد، احسنت گفت و او را قدر کرد.

مشخصه دیگر این اثر، عبارت از عدم حُب و بغض شخصی یا قومی و زبانی، ملیتی و یا سمتی و . . . است که در سر تا پای کتاب هرگز بچشم نمی خورد. همچنان باید گفت که در این اثر علمی، تاریخی و سیاسی، چنان از مأخذ و منابع مؤثق استفاده بعمل آمده است که جُست و جوگران ما میتوانند به سهولت و اطمینان از آن بهره گیرند. من، در حالیکه نشر و پخش این اثر ماندگار را برای جناب دکتر اجرالدین حشمت، ناشر جوان و با فراست آن (مسعود حشمت) و برای فرزندان تشنه لب کشورم تبریک عرض میکنم، مطالعه آنرا برای کلیه هموطنان گرامی خویش سفارش مینمایم. برای مؤلف گرامی درازی عمر و سلامتی کامل می طلبم تا آثار ارزشمند دیگری نیز برای نسل های امروز و فردای میهن ما مرقوم دارند.

پایان